

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مطالعات قرآنی دوازدهم

دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و حدیث

سال چهارم، شماره دوم / بهار و تابستان ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر رضا محمدزاده

سرمدیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید محمدباقر حجتی استاد دانشگاه تهران
سید حسن سعادت مصطفوی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فردوسی
عباس مصلائی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

مترجم چکیده‌ها به انگلیسی: دکتر محمود کریمی

مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۲۳۲ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

E-mail: Quranmag@isu.ac.ir

امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، نمابر: ۸۸۵۷۵۰۲۵

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

http://mag.isu.ac.ir

E-mail: mag@isu.ac.ir

بررسی جایگاه، اهمیت و اعتبارسنجی کتاب «کمال الدین و تمام النعمه»

پرویز آزادی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱

چکیده

جایگاه برجسته شیخ صدوق در منابع حدیثی شیعه بر همگان آشکار است و روایاتی که وی از میان اصول و سایر کتب از طریق مشایخش گرد آورده، طی قرون متمادی به عنوان یکی از منابع اصلی و مورد اعتماد شیعه امامیه در موضوعات مختلف به شمار می‌آمده است. از طرفی موضوع غیبت حضرت ولی عصر (عج) از زمان غیبت صغری تاکنون، یکی از موضوعات جنجالی در میان امامیه و سایر فرق شیعه بوده و همواره از سوی دیگران در این زمینه شبهاتی القاء می‌شده است.

شیخ صدوق با توجه به اهمیت این موضوع در عصر خود و مشکلاتی که به تبع شبهات وارده در میان امامیه به وجود آمده، طی یک کتاب جداگانه به این موضوع پرداخته است. در این مقاله سعی شده است ابتدا به بررسی ویژگی دوران شیخ صدوق، شخصیت و جایگاه وی در میان دانشمندان و منابع امامیه پرداخته شود و سپس انگیزه مؤلف از تألیف این کتاب و مشخصات کلی آن ذکر شود.

در ادامه به جریان «غیبت‌نویسی» از سوی عالمان امامیه و اهمیت این کتاب در این جریان اشاره شده و نسخه‌های موجود از کتاب و میزان اعتبار آن‌ها مورد بررسی واقع شده است. در این پژوهش روش خاص مؤلف در نگارش این کتاب نیز بررسی شده و منابع وی و میزان ارجاعاتی که در کتب امامیه به این کتاب صورت گرفته، مورد تحقیق واقع شده است. تبیین این مطلب که در میان علمای امامیه به چه میزان این کتاب دارای اعتبار بوده و از آن بهره‌برداری شده است، بیانگر اهمیت و جایگاه واقعی کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» است.

واژگان کلیدی

شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، غیبت، شبهه

طرح مسئله

قرن چهارم هجری، قرن گسترش اخباری‌گری است. در این دوران حدیث‌گرایی شدیدتری در میان عالمان دینی ایجاد می‌شود که به مرور به تفکر غالب در این قرن تبدیل می‌شود. این قرن اولین دوران بعد از غیبت حضرت مهدی (عج) به عنوان دوازدهمین امام شیعیان است و بالطبع دورانی است شیعیان در صدد گردآوری احادیث ائمه اطهار (ع) بودند، چرا که آخرین امام در پرده غیبت رفته بود و دیگر جایگزینی برای او وجود نداشت. به همین دلیل چندان هم عجیب نیست که روحیه حدیث‌گرایی در این دوران افزایش پیدا کند. در این دوران مردم برای احکام فقهی به محدثان رجوع می‌کردند، به همین جهت محدثان بزرگی همچون کلینی و ابن‌بابویه در میان عالمان دینی به عنوان چهره‌های سرشناس معرفی شدند.

یکی از ویژگی‌های این دوران این است که اخبار به جای مانده، به صورت گزیده، در قالب یک کتاب فقهی ارائه می‌شد. کتاب‌ها همگی متن روایت است چرا که اعتقاد در این دوران بر این بود که می‌بایست روایات و احادیث ائمه اطهار (ع) را حفظ کرد. مهم‌ترین مراکز علمی شیعه در این دوره، شهرهای ری و بغداد می‌باشد. این دو شهر، تحت سلطه حکومت زیدی آل بویه بودند اگرچه در بغداد، معتزله حضوری گسترده داشتند. آنچه در خصوص این دو گروه زیدی و معتزله در طول تاریخ نقل شده است، تلاش آنان برای نقد آرای امامیه و نگارش آثار در این زمینه بوده است (رحمتی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹).

در عین حال در این دوران در شهرهای قم، خراسان، نیشابور، همدان و اصفهان حوزه‌های علمیه متعددی به وجود آمد و لذا عالمان دینی بسیار مورد احترام و تقویت قرار گرفتند. غیر از سرزمین ایران که در آن عصر مهد تشیع بود، در نقاط دیگر جهان اسلام نیز شیعیان حضوری فعال داشتند. وجود این شرایط باعث شد که شیخ صدوق بتواند اولاً در کمال سهولت به سفرهای علمی خود بپردازد و از محضر اساتید مختلف بهره‌برد و متقابلاً احادیث خود را در اختیار علاقه‌مندان حدیث قرار دهد.

ثانیاً وی بدون خوف و ترس با مخالفان مذهب تماس گرفته و مناظره‌هایی انجام می‌داد و کتب و مقالات خود را در دفاع از تشیع و ردّ عقاید مخالفان منتشر می‌ساخت (معارف، ۱۳۸۵، صص ۳۷۴-۳۷۵).

شروع عصر غیبت صغرا و طولانی شدن آن بعد از سال ۳۲۹ق، دشواری‌های فراوانی برای امامیه به وجود آورد. غیر از انتقادهای معتزله و زیدیه که بیش از دیگران بر انتقاد از امامیه پای می‌فشردند، مشکل با گرویدن برخی از امامیه به زیدیه، صورت حادثتری یافت (رحمتی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹).

پیش از بیان وضعیت تاریخی آن دوران و بیان علت و ضرورت نگارش آثاری در این زمینه ابتدا لازم است مختصری با شخصیت ابن بابویه آشنا شویم.

۱. شخصیت ابن بابویه

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (د ۳۸۱ ق) مُکَنّی به ابوجعفر و معروف به ابن بابویه و صدوق است. نجاشی اظهار داشته که: «ایشان ساکن ری، شیخ و فقیه ما و در خراسان مورد قبول همگان بوده است و در سال ۳۵۵ قمری وارد بغداد شده و بزرگان قوم از او استماع حدیث کرده‌اند در حالی که در سن جوانی بوده است» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۸۹).

وی فردی بزرگوار، دارای حافظه قوی، آشنای به رجال حدیث و ناقد اخبار بوده است و در میان قمیون کسی همانند او در حفظ و کثرت علم دیده نشده است. او دارای ۳۰۰ تألیف بوده است (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۴۷). مترجمان و فهرست‌نویسان و اجازه‌دهندگان همگی در مدح و ثنای وی و آثار گرانقدرش سخن گفته‌اند؛ شیخ الطائفه در رجال و فهرست، علامه حلی در خلاصه، حسن بن داوود در رجال، ابن ادریس در سرائر، شیخ حسین پدر شیخ بهایی در درایه، سید شفیع جاپلقی در الروضة البهیة، فخرالمحققین در اجازه‌اش به شیخ شمس‌الدین محمد بن صدوق، محقق کرکی در اجازه‌اش، شهید ثانی در اجازه‌اش به حسین بن عبدالصمد حارثی، مولی حسن علی بن مولی عبدالله شوشتری در اجازه‌اش به شیخ محمد تقی مجلسی، مولی ابوالقاسم جرفادقانی در اجازه‌اش به مولی مهرعلی جرفادقانی، وحید بهبهانی در

تعلیقه‌اش به *منهج المقال*، مجلسی به نقل از ابن طاووس، شیخ بهایی در خاتمه وجیزه، مجلسی در وجیزه و بحارالانوار، شیخ ابوعلی حائری در *منتهی المقال*، مولی علی کنی در *توضیح المقال*، سید مصطفی تفرشی در *نقد الرجال*، میرزا ابولقاسم نراقی در *شعب المقال*، شیخ اسدالله شوشتری در *مقابس*، خوانساری در *روضات*، سید مهدی بحرالعلوم در *فوائد همه و همه در تعظیم و تجلیل، صدق، حفظ، صفات و سایر ملکات وی را* ستوده‌اند (گرچی، ۱۳۷۹، صص ۱۳۴-۱۳۵).

لقب صدوق بلیغ‌ترین کلمه در بیان امانت داری وی در روایت است. نخستین کسی که ابن بابویه را صدوق نامید، ابن ادریس است، لیکن پس از وی تا زمان شهید اول این لقب شهرت نداشته است. برخی از علمای رجال متأخر، مراسیل وی را در حکم مسانید دانسته‌اند. ابن بابویه خود از ارباب جرح و تعدیل است. او در ضبط اسناد، اصطلاحات مربوط به نحوه تحمل حدیث که در آثار وی هویدا است، تفکیک لفظ از معنی در مواردی که حدیث واحد با اسناد متعدد ذکر شده، روایت حدیث واحد با اسناد مختلف، مانند حدیث اثنا عشر جابر بن سمره از ۱۹ طریق مختلف بسیار دقیق است.

اغلب آثار حدیثی ابن بابویه آمیخته‌ای از احادیث شیعه با احادیث برگزیده اهل سنت است. ابن بابویه به عنوان یک محدث نه تنها میراث عظیمی را به آیندگان انتقال داده و بخش قابل توجهی از احادیث موجود در کتب روایی مسند شیعه پس از سده پنجم قمری چون آثار خزاز، مفید، طوسی، ابن رستم طبری و دیگران را به خود اختصاص داده، بلکه در مورد انتقال آثار گذشتگان به آیندگان نیز نقش اساسی ایفا کرده است، به طوری که محدث نوری وی را یکی از ۱۲ تنی دانسته است که سلسله اجازات به ایشان ختم می‌شود.

شیخ صدوق در علم حدیث نه تنها به عنوان ناقل، بلکه چنانکه طوسی یادآور شده است، به عنوان نقاد احادیث و آگاه به رجال مطرح است. کتاب *معانی الاخبار* وی دلیل قاطعی بر تبحر او در فقه الحدیث و غریب الحدیث است (پاکتچی، ۱۳۷۶، ج ۳).

شیخ صدوق توانست فقط دهه آخر عمر پدرش را درک کند. وی در کتاب‌هایش از پدرش به عنوان یکی از مشایخ خویش نام برده است. صدوق بعد از فوت پدر به نزد

ابن ولید رفته و به مدت پانزده سال شاگردی او را کرده است. وی از رجال بزرگ شیعه بود که به نقادی شهرت داشت (معارف، ۱۳۸۵، ص ۳۷۱).

شیخ صدوق در امور رجالی کاملاً مقلد استادش ابن ولید قمی بوده و هر جا خواسته کسی را نقد رجالی نماید، نظر استادش ابن ولید را آورده است (پاکتچی، ۱۳۷۶، ج ۳). وی علی رغم ارادتی که به پدرش داشت، ولی در برخی موارد آراء ابن ولید را بر آراء پدرش ترجیح می داد اما باید به این نکته توجه داشته که شیخ صدوق پس از وفات ابن ولید - خصوصاً در دوران ریاستش بر حوزه شیعیان - عملاً از پاره‌ای از آراء استادش عدول کرده است (معارف، ۱۳۸۵، ص ۳۷۱؛ باقری، ۱۳۸۱، ص ۸۴).

ابن بابویه را می‌بایست از نظر فکری از مکتب اخباریان متقدم قم به شمار آورد. او را باید آخرین متفکر این مکتب دانست که آثارش بخش عمده میراث اخباریان را تشکیل می‌دهد. مشخصه کلی این مکتب که به روشنی در آثار ابن بابویه دیده می‌شود، تکیه بر اخبار و احادیث در تعریف مفاهیم و اثبات قضایای کلامی است. در واقع کلام ابن بابویه را باید متون احادیث دانست که با کم‌ترین تصرف ممکن در قالب یک نظام کلامی ریخته شده و تدوین یافته است، چرا که کلام اخباری ابن بابویه در کلیات با کلام سایر مکاتب امامیه همخوانی دارد (پاکتچی، ۱۳۷۶، ج ۳).

۲. انگیزه تألیف کتاب

ابن بابویه در تبیین مهدویت از دیدگاه امامیه، ضمن تألیف آثار متعدد به خصوص مهم‌ترین آن‌ها کمال‌الدین، به ردّ ایرادات معتزله، زیدیه و دیگر مخالفان پرداخته و سعی بلیغی در نقض آراء قائلین به فترت (انفصال رشته امامت) و رفع شک متحیران نموده است (پاکتچی، ۱۳۷۶، ج ۳).

ابن بابویه در سایر آثارش به این کتاب و انگیزه تألیف آن اشاره کرده است. به عنوان مثال در کتاب *حصال* خود گفته است که کتابی در جهت اثبات غیبت و بر طرف کردن حیرت مردم نگاشته است (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق - الف، صص ۱۸۷ و ۴۸۰)، و یا در کتاب *من لا یحضره الفقیه* گفته است که اخبار مسند در موضوع غیبت را در کتاب *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* در اثبات غیبت و کشف حیرت آورده است و چیزی از آن را

در این کتاب نمی‌آورد چون این کتاب را فقط برای فقه نگاشته است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۸۰).

علاوه بر این، وی در سایر کتاب‌هایش نیز به این کتاب اشاره کرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۴۶؛ ۱۹۰۴ق، ج ۲، صص ۵۷ و ۶۹). علاوه بر این اشارات، شیخ صدوق در مقدمه کمال‌الدین به طور مفصل به انگیزه نوشتن این کتاب اشاره می‌کند و سه دلیل را برای نوشتن آن ذکر می‌نماید:

الف: بعد از زیارت حرم علی بن موسی الرضا(ع) به نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت گزیدم و دیدم شیعیانی که به نزد من آمد و شد می‌کردند، در امر غیبت حیرانند. درباره امام قائم(ع) شبهه دارند و از راه راست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده‌اند. پس با استمداد از اخبار وارده از پیامبر اکرم و ائمه اطهار(ع)، تلاش خود را در ارشاد ایشان به کار بستم تا آن‌ها را به حق و صواب دلالت کنم.

ب: شیخی از اهل فضل و علم و شرف که از دانشمندان قم بود، از بخارا بر ما وارد شد. من به جهت آنکه وی دین دار و خوش فکر و راست کردار بود، از دیر زمان آرزوی ملاقات او را داشتم. یک روز که برایم سخن می‌گفت، کلام یکی از فلاسفه و منطقیان بزرگ بخارا را نقل کرد که آن کلام او را در مورد قائم(ع) حیران ساخته و به واسطه طول غیبتش و انقطاع اخبارش او را به شک و تردید انداخته بود.

پس من فصولی در اثبات وجود آن حضرت(ع) بیان کرده و اخباری از پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) در غیبت آن امام، روایت کردم و او بدان اخبار آرامش یافت و شک و تردید و شبهه را از قلب او زایل ساخت و احادیث صحیحی را که از من فراگرفت به سمع و طاعت قبول و تسلیم پذیرفت و از من درخواست کرد که در این موضوع کتابی برایش تألیف کنم. من نیز درخواست او را پذیرفتم و به او وعده دادم که هرگاه خداوند وسایل مراجعتم را به محل استقرار و وطنم - شهر ری - فراهم کند، به گردآوری آنچه خواسته است اقدام نمایم.

ج: شبی در خواب دیدم گویا در مکه هستم و به گرد بیت‌الله الحرام طواف می‌کنم و در شوط هفتم به حجرالاسود رسیدم. آن را استلام کرده و بوسیده، این دعا را می‌خواندم: «أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لَتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ»^۱ که ناگاه مولایمان

صاحب الزمان (عج) را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده است و من با دلی مشغول و حالی پریشان به ایشان نزدیک شدم. آن حضرت در چهره من نگرست و راز درونم را دانست. بر او سلام کردم و او پاسخم را داد. سپس فرمود: چرا در باب غیبت کتابی تألیف نمی‌کنی تا اندوهت را زایل سازد؟

عرض کردم: یا ابن رسول الله، درباره غیبت پیش‌تر رساله‌هایی تألیف کرده‌ام. فرمود نه به آن طریق، اکنون تو را امر می‌کنم که درباره غیبت کتابی تألیف کنی و غیبت انبیاء را در آن بازگوئی. آنگاه آن حضرت درگذشت. من از خواب برخاستم و تا طلوع فجر به دعا و گریه و درد دل کردن و شکوه نمودن پرداختم و چون صبح دمید تألیف این کتاب را آغاز کردم تا امر ولی و حجت خدا را امتثال کرده باشم (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۵-۷).

با توجه به سه دلیلی که ابن بابویه در جهت تألیف کتاب کمال‌الدین ذکر کرده، می‌توان گفت که وجود حیرت در میان شیعیان و شبهاتی که مخالفان می‌پراکندند، علت اصلی تألیف این کتاب بوده و با خوابی که دیده شده، عزم جدی بر تألیف آن گرفته شده است. همانطور که از مقدمه کمال‌الدین مشخص است ابن بابویه این کتاب را بعد از اتمام سفرهایش و بازگشت به نیشابور شروع کرده و حداقل قسمتی از آن را در این شهر نگاشته است (ابن بابویه، ۱۴۰۵ - الف، ص ۴).

۳. ویژگی‌های کتاب

نام‌های مختلفی برای این کتاب در منابع تاریخی ذکر شده است از قبیل: اکمال‌الدین و اتمام النعمه (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۸۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۸۴)، اتمام النعمه فی الغیبه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶) و اکمال‌الدین (Fyze, 1986, v.3, p.727).

در هر صورت، نام کتاب از آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) اتخاذ شده است و چون کمال دین در ولایت و امامت امیرالمومنین (ع) است و کمال امامت نیز به وجود دوازدهمین وصی

پیامبر اکرم (ص) یعنی حضرت مهدی (عج) تحقق می‌یابد، از این رو نام کتاب به «کمال الدین و تمام النعمه» نامگذاری شده است.

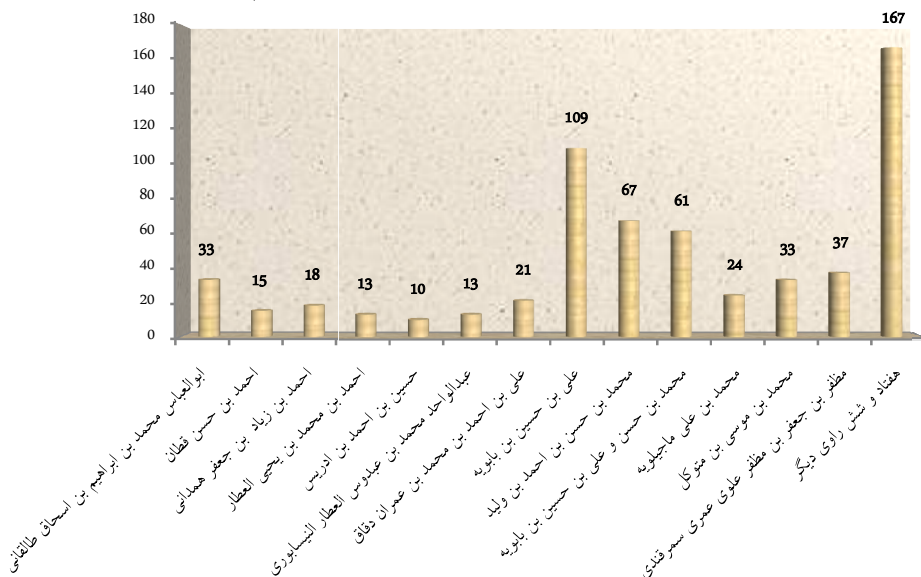
همچنین اینکه برخی محدثان نام کتاب را اکمال الدین و اتمام النعمه گزارش کرده‌اند از آن روست که ارتباط نام کتاب و آیه شریفه کاملاً نمایان شود، اما از آنجا که شیخ صدوق در صدد اکمال دین و اتمام نعمت نبوده، بلکه قصد او اخبار از کمال دین و تمام نعمت است و بر اساس نُسخ خطی و تمامی چاپ‌های کتاب نیز نام کمال‌الدین و تمام‌النعمه بر روی کتاب ثبت است، این نام ترجیح دارد (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۹-۱۰).

کتاب کمال الدین با توجه به نسخه‌های خطی که وجود دارد، در دو جزء کتابت شده و دارای یک مقدمه نسبتاً طولانی و ۵۸ باب است. این کتاب دارای ۶۲۱ روایت است و از مجموع ۸۸ راوی نقل شده که بیشترین روایات از ۱۲ راوی ذیل می‌باشد:

۱. ابوالعباس محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی
۲. احمد بن حسن قطان
۳. احمد بن زیاد بن جعفر همدانی
۴. احمد بن محمد بن یحیی العطار
۵. حسین بن احمد بن ادريس
۶. عبدالواحد محمد بن عبدوس العطار النیسابوری
۷. علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق
۸. علی بن بابویه
۹. محمد بن حسن بن احمد بن ولید
۱۰. محمد بن علی ماجیلویه
۱۱. محمد بن موسی بن متوکل
۱۲. مظفر بن جعفر بن مظفر علوی عمری سمرقندی

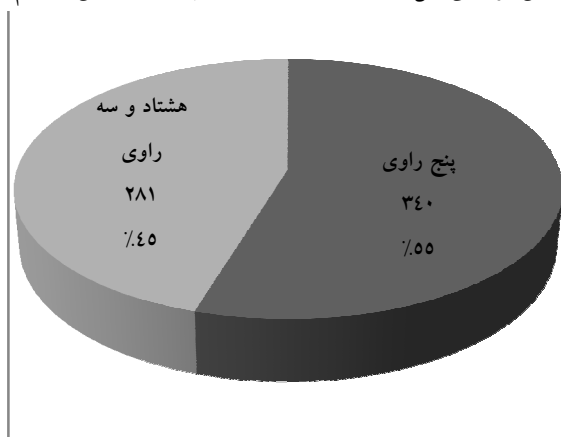
این افراد کسانی هستند که از هر کدام از آن‌ها بیش از ۱۰ روایت نقل شده است که در مجموع ۴۵۴ روایت می‌شود و ۷۳ درصد کل روایات کمال‌الدین را تشکیل می‌دهد. جدول ذیل به تفکیک تعداد روایت راویان را نشان می‌دهد:

نمودار ۱. سنجش فراوانی نقل روایات در کتاب کمال الدین و تمام النعمه



در این میان پنج روای از نقش بسیار مهم‌تری برخوردار هستند که ۵۵ درصد روایات از آن‌ها نقل شده است و عبارتند از؛ علی بن بابویه، محمد بن ولید قمی، مظفر علوی عمری سمرقندی، محمد بن متوکل و ابوالعباس بن اسحاق طالقانی. نمودار سنجش میزان روایات نقل شده از این ۵ نفر در مقایسه با دیگر راویان بدین نحو است:

نمودار ۲. سنجش فراوانی نقل از راویان منتخقی در کتاب کمال الدین و تمام النعمه



۴. اعتبار سنجی روایات کتاب

در اینجا لازم است به جایگاه این پنج تن که بیشترین روایات از آنان نقل شده است، در میان علمای امامیه اشاره شود تا مشخص گردد اعتبار روایات کتاب کمال الدین در چه حدی است.

۴-۱. علی بن بابویه

نجاشی درباره «علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی» اظهار داشته است که وی، شیخ قمیین و فقیه و مورد اعتماد آنان در زمان خودش بوده است با ابوالقاسم حسین بن روح که از نواب امام زمان (عج) بوده، ارتباط برقرار کرده و از او مسائلی را پرسیده و بعدها با او مکاتبه کرده و از او خواسته تا از طرف او، رقعهای را به صاحب الزمان (ع) برساند و از او برایش درخواست فرزند نماید که در جواب نامه آمده است؛ ما از خداوند برای تو فرزند خواستیم و به زودی صاحب دو فرزند پسر خواهی شد، که همین گونه نیز شد. وی دارای تألیفات متعددی بوده که فهرست آن در رجال نجاشی ذکر شده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، صص ۲۶۱-۲۶۲).

۴-۲. محمد بن ولید قمی

محمد بن حسن بن أحمد بن ولید، وی شیخ قمیین و فقیه و مورد اعتماد آنان بوده و گفته شده است که ساکن قم بوده و اصالتاً نیز متعلق به قم بوده است. وی فردی آگاه به رجال بوده و در این زمینه دیگران به او اعتماد داشته‌اند (طوسی، بی‌تا، ص ۴۴۲). این دو فرد که اولی پدر و استاد شیخ صدوق و دیگری استاد وی بوده است، از کسانی هستند که بیشترین روایات از آن‌ها نقل شده و در واقع می‌توان گفت که پیکره اصلی کتاب را روایات این دو فرد تشکیل داده است چرا که ۲۳۷ روایت از ۶۲۱ روایت از این دو نفر نقل شده که در مجموع ۳۸ درصد تعداد احادیث را به خود اختصاص داده است.

۴-۳. مظفر علوی عمری سمرقندی

مظفر بن جعفر بن مظفر علوی عمری سمرقندی، از وی ذکری در کتب متقدم رجالی یافت نشد ولی مرحوم خوئی در کتاب معجم رجال الحدیث خود اشاره کرده است که وی از مشایخ صدوق است و شیخ صدوق او را در طریقه‌اش به محمد بن موسی عیاشی ذکر کرده است. همچنین شیخ صدوق او را در عیون اخبار الرضا با لقب سمرقندی و همچنین با کنیه ابوطالب نام برده است.

مرحوم خوئی در پایان مدخل وی اشاره کرده است که من معتقدم وی همان مظفر بن جعفر بن محمد است که در این صورت محمد جد مظفر است که لقبش مظفر بوده است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۸، صص ۱۷۸-۱۷۹).

به تبع همین نتیجه با مراجعه به رجال شیخ طوسی دیده می‌شود که شیخ طوسی در رجالش مظفر بن جعفر بن محمد را در جمع کسانی آورده است که از ائمه روایتی نقل نکرده‌اند و گفته است که تلعبیری اجازه کتاب‌های عیاشی را از او نقل کرده است (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۴۴۲). در کتاب کمال الدین نیز شیخ صدوق او را با لقب علوی، عمری و سمرقندی یاد کرده است که این را در روایاتی که از او نقل شده است، می‌توان دید.

۴-۴. محمد بن متوکل

شیخ طوسی درباره محمد بن موسی بن متوکل گفته است که: «او از عبدالله بن جعفر حمیری روایت کرده است و شیخ صدوق نیز از او روایت کرده است و اشاره‌ای به توثیق او نکرده است» (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۴۳۸)، ولی در کتاب رجال ابن داوود گفته شده است که او فردی ثقّه است (حلی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۸) و در کتاب خلاصه الرجال حلی نیز این مطلب تکرار شده است (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵۰).

۴-۵. ابوالعباس بن اسحاق طالقانی

ابوالعباس محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی، وی از مشایخ صدوق است که در کتاب‌هایش فراوان از او نقل کرده و او را در موارد زیادی به ابوالعباس کنیه داده و همچنین او را به لفظ مؤدب وصف کرده است. آیت الله خویی با توجه به روایاتی که در کمال الدین از وی نقل شده است، این نتیجه را گرفته که او شیعه بوده ولی مطلبی درباره وثاقت او ثابت نشده و اینکه شیخ صدوق از او روایت نقل کرده است، دلالت بر وثاقت او نمی‌تواند باشد (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴، صص ۲۲۰-۲۲۱).

با توجه به بررسی صورت گرفته می‌توان گفت که اکثر روایات کمال الدین قابل اعتماد هستند و از افراد نسبتاً شناخته شده و مورد اعتماد شیخ صدوق نقل شده است، هرچند که برای اطمینان قطعی باید تمامی روایات را یک به یک مورد بررسی قرار داد.

۶. جریان غیبت نویسی در شیعه

همانطور که گفته شد قرن سوم و چهارم هجری قمری، از قرن‌هایی است که از طرف فرقه‌های مختلف نسبت به شیعه طعن‌هایی وارد می‌شد و علمای امامیه مجبور به پاسخ دادن به این شبهات بودند. در این جریان، پاسخ دادن به شبهات پیرامون امام غایب و نحوه غیبت و امور مربوطه یکی از موضوعات اصلی بود که کتب متعددی را در این موضوع می‌توان یافت.

از جمله کتاب‌های مهمی که در این زمینه نوشته شده است، سه کتاب مطرح است؛ غیبت نعمانی (د ۳۴۲ ق)، کمال الدین از شیخ صدوق (د ۳۸۱ ق) و الغیبه از

شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق). با مقایسه موضوعات این سه کتاب به راحتی می‌توان به جریان شبهات و موضوعات در هر دوره پی برد که این امر در این سه کتاب کاملاً مشهود است.

در این قسمت ابتدا موضوعات ذکر شده در این سه کتاب را به صورت اجمالی مرور کرده و سپس به نقد و بررسی مطالب کتاب کمال الدین و تمام النعمه خواهیم پرداخت. البته لازم به ذکر است که در این مقایسه مبنا کتاب کمال الدین است و دو کتاب دیگر با این کتاب مقایسه شده‌اند، به همین دلیل موضوعات کمال الدین مبنا قرار گرفته و موضوعاتی که متناسب با موضوعات کتاب کمال الدین بوده، در ردیف این موضوعات جای گرفته است و ترتیب در دو کتاب دیگر به نحوی که ذکر شده است، نیست.

به منظور درک بهتر موضوعات مختلف این کتب و سنجش مواردی که بدان پرداخته‌اند، کلیه موضوعات در جدول ذیل احصاء شده است:

جدول ۱. موضوعات کتب سه گانه در زمینه غیبت

غیبت نعمانی	کمال الدین و تمام النعمه	غیبت طوسی
عهد الهی، وجوب حجت	خلافت (وجوب خلیفه‌اللهی، وجوب خلیفه در هر عصر)	*
امامت، وصیت، تعداد ائمه و نام‌هایشان، ائمه نزد مخالفان و اهل کتاب، معرفت امام، صفات امام	امامت (عصمت، وجوب شناخت)	وجوب ریاست، اثبات امامت
علل غیبت، غیبت از دید ائمه، مدح زمان غیبت، دو غیبت، صبر در زمان غیبت	غیبت (اثبات و حکمت، مشاکله با انبیاء)	غیبت (حکمت، امکان و رد شبهات پیرامون آن)
نقد فرقه اسماعیلیه	نقد فرق و پاسخگویی به شبهات آنان (کیسانیه، ناووسیه، واقفیه، زیدیه، خطابیّه)	نقد فرق (واقفیه، محمدیه، فطحیه، فرقه‌هایی که قائلند امام زمان (عج) زاده نشده است)
در قائم سنتی از پیامبران است	غیبت پیامبران (ادریس، نوح، صالح، یوسف، موسی، عیسی)	*

غیبت طوسی	کمال الدین و تمام النعمه	غیبت نعمانی
*	اختیاری درباره غیبت پیامبر (سلمان، ساعده ایادی، تبع، عبدالمطلب و ابوطالب، سیف بن ذی یزن، بحیرای راهب، راهب بزرگ شام، ابوالموهیب راهب، سطحی کاهن، یوسف یهودی، ابن حواش، زید بن عمر)	*
*	علل نیاز به امام	*
*	اتصال وصیت از آدم تا روز قیامت	*
*	نصوص بر قائم (خدای تعالی، پیامبر، امیرالمومنین، فاطمه زهراء، امام مجتبی، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری علیهم السلام)	قائم در قرآن
*	منکران امام زمان (عج)	*
*	عدم اجتماع امامت در دو برادر پس از حسنین علیهم السلام	*
*	مادر امام زمان	*
ولادت	میلاد امام زمان	*
افرادى که امام (عج) را دیده‌اند	افرادى که امام (عج) را دیده‌اند	*
علت عدم ظهور	علت غیبت	*
*	توقعات وارده از امام زمان (عج)	*
*	توقعات	*
طول عمر	عمر طولانی	*
*	دجال	سفیانی

غیبت نعمانی	کمال الدین و تمام النعمه	غیبت طوسی
*	حکایت معمرین (معمر مغربی، عبید جرهمی، ربیع فزاری، کاهن، شداد، بلوهر و بوداسف)	نمونه‌هایی از معمرین
	ثواب انتظار فرج	*
نهی از تسمیه	نهی از تسمیه	*
علامات ظهور، کل رایه قبل ظهور فصاحبها طاغوت، شدت قبل از ظهور، جیش الغضب،	نشانه‌های ظهور	علامات ظهور
*	نوادر	*
اعتصام به حبل الله	*	سفرای ممدوح و غیر ممدوح
مصون ماندن اسرار آل محمد(ص)	*	*
صفات قائم، سیره قائم، افعال او، فضل او، ما يعرف به، فی صفة قمیصه،	*	*
کذب الوَقَّاتُون	*	*
اسلام جدید آوردن قائم	*	*
مدت ملک قائم	*	*

به نظر می‌رسد با توجه به موضوعاتی که نعمانی در کتابش قید کرده، این کتاب در زمانی نوشته شده که بیشتر مردم به امام زمان (عج) اعتقاد داشته‌اند، لکن می‌خواستند اطلاعات بیشتری درباره امام، زمان ظهور و وظیفه خود در قبال امام بدانند و لذا نعمانی برای جبران این نقیصه، این کتاب را نوشته است. تمامی متن کتاب، روایت است و نعمانی از خود چیزی نیفزوده است و کاملاً به سبک اخباریان دوران خود نوشته است. پس از مدتی منکران امام زمان (عج) از فرقه‌های مختلف فزونی یافته و نیاز به اثبات امام از طریق مباحث کلامی و روایات از شیعه و عامه و حتی سایر کتب به وجود آمد و لذا ابن‌بابویه کتاب اکمال الدین را نوشت تا هم برای شیعیان مردد در خصوص

امام زمان(عج) و هم منکران از عامه قانع کننده باشد. وی در این کتاب اصل را بر آوردن روایات گذاشته و از مباحث کلامی نیز بهره برده است. در زمان شیخ طوسی چون مباحث کلامی بیشتر مطرح بود، لذا وی کتابی نوشته که سراسر مباحث کلامی است و از روایات نیز استفاده کرده است، لکن در مواردی قواعد ثبت روایات را رعایت نکرده و آن‌ها را بدون سند ذکر کرده است. موضوعات مطرح شده در هر سه کتاب دارای ارزش فراوان حدیثی و کلامی هستند، ولی متأسفانه از انسجام و نظم برخوردار نبوده و شایسته است این کتاب‌ها مجدداً مورد تحقیق و تنقیح قرار گیرند تا بتوان به راحتی از آن‌ها استفاده کرد. در این کتاب‌ها یافتن یک موضوع به سختی صورت می‌گیرد و فهرست‌هایی که برای آن‌ها ذکر شده است اغلب ناقص و نارسا هستند.

۷. اهمیت کتاب کمال الدین

مرحوم غفاری در مقدمه‌ای که بر نسخه تصحیحی خود بر کمال‌الدین نوشته است، یادآور شده که این کتاب در این موضوع بی‌نظیر است و کسی تاکنون چنین کتابی در موضوع غیبت نگاشته است. ابن بابویه در این کتاب به صورت تحلیلی درباره شخصیت امام عصر(عج) و موضوع غیبت و مسائل پیرامونی آن بحث می‌کند و به پاسخگویی شبهات منکران و مخالفان می‌پردازد (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق - ب، ص ۱۹).

یکی از وجوه اهمیت این کتاب نقل توقیعات امام عصر(عج) است (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق - ب، صص ۴۸۲-۵۲۳). این توقیعات معمولاً در موضوعات نهی از بُردن نام امام عصر، تفسیر برخی از آیات قرآن، تکذیب و قاتون، منکرین امام عصر، جرح و تعدیل برخی از اصحاب، خمس، علت غیبت، جواب برخی از امور و سؤالات شیعیان، دعا برای شیعیان و .. آمده است.

اهمیت دیگر کتاب کمال الدین به علت نقل اخبار مُعَمَّرین است که در کمتر کتب روایی یافت می‌شود. روایات معمرین که اغلب داستان‌های جالبی است از کسانی که عمر طولانی داشته‌اند و در تأیید عمر طولانی حضرت صاحب الزمان (عج) آورده شده

است و حجم قابل ملاحظه‌ای از کتاب (حدود ۱۵ درصد) را به خود اختصاص داده است.

پاسخگویی به شبهات مختلفی که درباره امام عصر (عج) وجود داشته است، به خصوص شبهات مربوط به امامت آن حضرت و یا طول عمر شریف ایشان آن هم با صبغه روایی، از دیگر وجوه اهمیت این کتاب است. همچنین اشمال کتاب بر برخی اطلاعات پنهانی در روابط بین شیعیان در عصر غیبت بر اهمیت کتاب افزوده است.^۲ شیخ صدوق به خاطر اطلاع از این امور، از طریق پدرش با سفرایی همچون محمد بن عثمان غُمَری و حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سَمُری، توانست بخشی از این اطلاعات را در کتاب خود بیاورد (جباری، ۱۳۸۴، صص ۲۳۶-۲۳۸).

۸. نسخه‌شناسی کتاب

قدیمی‌ترین نسخه تاریخ دار از کتاب کمال‌الدین، مربوط به قرن نهم هجری است. این نسخه در مرکز احیای میراث اسلامی قم به شماره ۲۹۳۶، مکتوب در پنجم ماه رمضان ۸۹۱ هجری است و نسخه‌های دیگر همگی در دوره صفویه و بعد از آن کتابت شده‌اند (رحمتی، ۱۳۸۳، ص ۶۰).

همچنین در فهرست نسخه‌های خطی که توسط کتابخانه مرحوم گلپایگانی تهیه شده، این چنین آمده است: کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه - اکمال‌الدین - از شیخ صدوق، در گذشته ۳۸۱ هجری قمری است که برگه آخر آن افتاده است (استادی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۵۳) و در جای دیگر از همین مجموعه گفته شده است که از آن دو نسخه خطی وجود دارد ولی توضیح بیشتری داده نشده است (استادی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۲۹۲).

در عین حال نسخه ارزشمند تصحیح شده دیگری از این کتاب نیز وجود دارد که با قلم قرمز رنگ نوشته شده و پر از حواشی رجالی است. تاریخ اتمام نگارش جزء اول این نسخه در شب پنج‌شنبه، دوازدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۰۷۹ هجری و جزء دوم در تاریخ روز یکشنبه نهم رجب ۱۰۸۱ هجری است. نویسنده آن ابوطالب محمد بن هاشم بن عبدالله حسینی فتال است (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق - ب، صص ۲۰-۲۱).^۳

البته نسخه قدیمی ارزشمند دیگری نیز که بدون تاریخ است از این کتاب وجود دارد که در مخزن کتابخانه شیخ عبدالرحیم ربّانی شیرازی موجود می‌باشد. در دایرةالمعارف بزرگ اسلام^۵ و در مدخل ابن بابویه (شیخ صدوق) نیز که توسط «آلفرد آل. فیزه»^۶ نوشته شده است، در ذکر آثار شیخ صدوق از این کتاب به نام اکمال الدین یاد شده است که «مولر هایدلبرگ»^۷ آن را تصحیح کرده است (Fyze, 1986, v.3, p.727) در زمینه نسخه شناسی این کتاب باید توجه داشت که کتاب دیگری از ابن بابویه به نام «الغیبة» وجود دارد که اغلب نام کمال الدین بر آن اطلاق شده است (پاکتچی، ۱۳۷۶، ج ۳).

۹. روش شناسی شیخ صدوق

ابن بابویه در نقل روایات از روایات مرسل نیز استفاده کرده است. به عنوان مثال در جایی گفته است: «فَقَدَ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق - الف، ص ۲۸). همچنین با وجود اینکه اکثر کتاب‌های ابن بابویه همگی حدیث است و از خود مطلبی نقل نمی‌کند، ولی در مقدمه کمال الدین که حدود ۲۱ درصد حجم کتاب را تشکیل می‌دهد، صرفاً به نقل ۳۶ روایت مُسند و یک روایت مرسل از ۱۲ راوی اکتفا می‌کند و ما بقی مطالب مقدمه، مباحث کلامی است که یا خود آن را مطرح کرده و یا از کتاب‌های متکلمان شیعه که ذکر آن در منابع کمال‌الدین خواهد آمد، آورده است.

در مواردی در یک روایت می‌گوید: «حَدَّثَنَا فُلَانٌ...» و در شروع اسناد روایت بعدی می‌گوید: «قَالَ...» و بقیه سند را می‌آورد و گاهی چندین روایت بدین منوال نقل می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۲۶۳-۲۶۴). اکثر روایات این کتاب به صورت «حَدَّثَنَا» آمده و برخی از آن‌ها نیز به صورت «أَخْبَرَنَا» است.

نکته دیگر در رابطه با روش شیخ صدوق آن است که وی در برخی موارد رجال روایات خود را جرح و تعدیل می‌نماید. به عنوان مثال در نقد روایتی که با اعتقادات امامیه سازگاری ندارد، یکی از رجال سند به نام «احمد بن هلال» را مورد جرح قرار می‌دهد و می‌گوید او نزد مشایخ ما مجروح است (ابن بابویه، ۱۹۰۴م، ص ۷۶) و یا در

جایی گفته است؛ این روایت به دلیل روایت این راوی^۷ نزد من صحیح است (ابن بابویه، ۱۹۰۴م، ص ۵۴۳).

ابن بابویه به نقل از احمد بن حسن قَطَّان نقل می‌کند که حکایت‌های متعددی از مُعَمَّرِین وجود دارد و در حدود ۱۰ درصد حجم کتاب را این اخبار به خود اختصاص داده است. وی در پایان این حکایات، اینچنین اظهار نظر می‌دارد که: «حکایت‌های مُعَمَّرِین موجب اعتقاد من به امر غیبت نمی‌شود، زیرا غیبت در نزد من با احادیث صحیحی که از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) رسیده، به اثبات رسیده ولی من می‌بینم که امر غیبت برای بسیاری از پیامبران و یا پادشاهان صالح نیز اتفاق افتاده است، ولی کسی از مخالفان، منکر آن‌ها نشده در صورتی که روایات کثیره و صحیح‌های که از ناحیه پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) وارد شده، برای آن‌ها اعتباری ندارد. لذا منظور من از آوردن روایات اینچنینی این است که اهل وفاق و خلاف به مطالعه این کتاب مشتاق شوند و سایر روایات را نیز بخوانند» (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق - الف، صص ۵۷۷-۶۲۸).

۱۰. منابع ابن بابویه در کمال الدین

یکی از منابع اصلی ابن بابویه در مباحث کلامی کتاب کمال الدین - که بیشتر نیز در مقدمه کتاب آمده است - استفاده از کتاب‌های «ابن قُبَّه رازی» است.^۸ شایسته است برای آشنایی با شخصیت ابن قُبَّه به سوابق وی اشاره شود. نجاشی اظهار داشته است که ابوجعفر محمد بن عبدالرحمان بن قُبَّه رازی (د اوایل سده ۴ق/ ۱۰م) دارای عقیده نیکو بوده و هر چند در ابتدا معتزلی بود، ولی بعداً مستبصر شد و به مذهب امامی گروید. نجاشی او را به عنوان متکلمی چیره دست و نیکو عقیده ستوده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۷).

از مناظره‌ها و مجادله‌هایی که ابن قُبَّه با متکلمان بزرگ عصر خود داشته چنین برمی‌آید که در زمان خود، در علم کلام از برجستگی ویژه‌ای برخوردار بوده است. در عصر ابن قُبَّه مهم‌ترین مبحث متکلمان امامیه، پاسخ دادن به شبهاتی بوده که متکلمان فرق دیگر اسلامی بر نظریه امامت شیعه اثنی عشری وارد می‌کردند.

پاره‌ای از نوشته‌های ابن قُتَیبه که در کتاب کمال‌الدین ابن بابویه آمده، حاکی از برخورد‌های کلامی وی با دو تن از متکلمان به نام‌های «ابوالحسین علی بن احمد بن بشَّار»^۹ و «ابوزید علوی»^{۱۰} است که بر اعتقاد امامیه در مورد مسألهٔ غیبت دوازدهمین امام (ع) خرده گرفته بودند.

ابوزید علوی در اثبات مذهب خود و ردّ مذهب امامیه، کتابی نگاشته است به نام «الاشهاد» و ابن قُتَیبه بر آن ردّیه ای به نام «نقض کتاب الاشهاد» نوشته که ابن بابویه در کمال‌الدین از آن نقل کرده است. ابن قُتَیبه در این رساله اشکال‌های ابوزید را یک به یک آورده و به آن‌ها پاسخ داده است (گذشته، ۱۳۷۸، ج ۴).

ابن بابویه در کتاب خود از منابع متعددی استفاده کرده است که عبارتند از: «سیره ابن اسحاق به روایت یونس»^{۱۱} «المبتدا و المبعث و المغازی و الوفاة و السقیفة و الردة»^{۱۲} تألیف آبان بن عثمان احمر به جلی (د ۱۷۰ ق)، «التنبیه فی الامامة»^{۱۳} تألیف ابوسهل اسماعیل بن علی بن اسحاق نوبختی (د ۳۱۱ ق)، «کتاب سلیم بن قیس هلالی»^{۱۴} که یکی از متون باقی مانده از ادبیات شیعی بر ضد اهل سنت از اواخر دوره اموی است، «المُعَمَّرُونَ و الوصایا»^{۱۵} نوشته ابوحاتم سجستانی (د ۲۵۰ ق) که از متون حدیثی اهل سنت است، «کتاب الضیاء فی الردّ علی المحمدیة و الجعفریة»^{۱۶} تألیف سعد بن عبدالله اشعری (د ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق) از مهمترین شیوخ حدیثی قم در دوران غیبت صغری که ظاهراً این کتاب تا قرن ششم در دسترس بوده است، برخی نقل قول‌ها از آثار محمد بن بحر رهنی شیبانی از علمای امامی عصر غیبت که مشخص نیست از کدام یک از آثار وی است^{۱۷} و «الامثال» از ابوعبیده قاسم بن سلام هروی.^{۱۸}

با توجه به منابعی که ذکر و بررسی شد، می‌توان گفت که استفاده از منابع در کتاب کمال‌الدین، در حدود ۱۵ درصد حجم کل کتاب را به خود اختصاص داده است و مابقی کتاب، از منابع مشافه‌ای بوده که شیخ صدوق از مشایخ خود دریافت کرده است.

همچنین باید به این نکته توجه داشت که شیخ صدوق در موضوعات کلامی و ذکر اخبار مُعَمَّرین از منابع مکتوب بهره برده و روایات مابقی موضوعات را به صورت مشافه‌ای از مشایخ خود دریافت کرده است.

این کتاب در طی چند نوبت به فارسی ترجمه شده که مهمترین و معتبرترین این موارد تصحیح علی اکبر غفاری، تصحیح حسین اعلمی، ترجمه و شرح محمد باقر کمره‌ای، ترجمه سید علی بن محمد بن اسدالله امامی حسینی اصفهانی - معاصر صاحب ریاض - و ترجمه منصور پهلوان است که بر اساس نسخه تصحیح شده مرحوم غفاری انجام شده (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۸۰).

۱.۱. اعتبار کتاب در نزد عالمان امامیه

کتاب کمال‌الدین شیخ صدوق در طی قرون بعد از خود همواره به عنوان یکی از منابع اصلی روایات غیبت و پاسخ‌گویی به شبهات پیرامون آن مطرح بوده و کتب فراوانی از آن نقل حدیث کرده‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که در تصحیح بسیاری از کتب فقهی، حدیثی، تاریخی، رجالی، اصولی، تفسیری و ... محققان به این نتیجه رسیده‌اند که این کتاب‌ها از کمال‌الدین بهره برده‌اند، هرچند که به نام کمال‌الدین اشاره نکرده باشند، که نشان می‌دهد به چه میزان این کتاب در میان عالمان امامیه مورد اعتبار و ارجاع بوده است.

در این بخش تنها به کتبی اشاره می‌شود که مؤلف در متن صراحتاً به نام کتاب کمال‌الدین اشاره کرده و از آن نقل کرده است:

۱. اعلام الوری به اعلام الهدی (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۵۹-۵۳۸؛ ج ۲، صص ۱۹۸-۲۲۶).
۲. بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۷۶؛ ج ۸۳، ص ۲۰۲).
۳. تفسیر کنزالدقائق (مشهدی قمی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۶۵ و ۲۲۵ و ۳۷۰ و ۳۷۹ و ۴۵۸ و ۵۹۶ و ۶۱۴ و ۶۲۳؛ ج ۲، صص ۲۷ و ۲۸ و ۴۰ و ۶۴ و ۷۸ و ۹۱ و ۱۰۴ و ۱۸۷ و ۲۴۰ و ۲۴۵ و ۴۸۴ و ۴۹۲ و ۴۹۹ و ۵۱۵ و ۵۵۰ و ۶۷۴ و ۶۷۷ و ۶۸۵ و ۶۹۷).
۴. تفسیر نورالثقلین (حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، صص ۲۴ به بعد ...).

۵. تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال (ابطحی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، صص ۲۶۶ و ۲۶۸ و ۲۷۷ و ۳۵۶ و ۳۶۶؛ ج ۴، صص ۳۸۰ و ۴۳۲ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۵؛ ج ۵، صص ۲۰۱ و ۲۰۹ و ۴۱۶).
۶. جامع المدارک (خوانساری، ۱۳۵۵ش، ج ۳، ص ۹۹؛ ج ۴، صص ۲۰ و ۵۷۷).
۷. الجواهر السنیه (حر عاملی، بی تا، ص ۲۴۹).
۸. الحدائق الناضره (بحرانی، بی تا، ج ۱۲، صص ۴۳۱ و ۴۸۶؛ ج ۲۲، ص ۱۴۴).
۹. سعد السعود (ابن طاووس، ۱۳۶۹ق، صص ۲۳۳-۲۳۴)^{۱۹}.
۱۰. سماء المقال فی علم الرجال (کلباسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۳۵۲ و ۳۵۵).
۱۱. شرح اصول کافی مازندرانی (مازندرانی، بی تا، ج ۲، صص ۲۴۰ به بعد ...).
۱۲. الطهاره (انصاری، ۱۴۱۵ق - الف، ج ۲، صص ۳۵۲ و ۵۳۳).
۱۳. عده الاصول (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۵).
۱۴. عوائد الايام (نراقی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۴۲).
۱۵. العوالم (بحرانی، ۱۴۰۷ق، صص ۷۶-۷۷، ۱۴۸ و ۲۴۸).
۱۶. الغدير (امینی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۴۵).
۱۷. غنائم الايام فی مسائل الحلال و الحرام (قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۲۱).
۱۸. قصص الانبياء (راوندي، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸۱).
۱۹. القضاء و الشهادات (انصاری، ۱۴۱۵ق - ب، ص ۷۰).
۲۰. مجمع البحرين (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۰۳؛ ج ۴، ص ۳۵۱).
۲۱. مدينه المعاجر (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۷۶).
۲۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۵۵ به بعد ...).
۲۳. مستدرک سفینه البحار (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۹۰؛ ج ۷، ص ۴۹۰؛ ج ۸، صص ۱۷۷-۳۰۰؛ ج ۹، صص ۶۸-۲۰۴).
۲۴. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸۰ به بعد ...).
۲۵. الميزان فی تفسیر القرآن (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۴ به بعد ...).

۲۶. وسائل الشیعه (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۸۳-۳۳۷؛ ج ۱۹، ص ۳۳۴؛ ج ۲۰، ص ۲۱).

از مجموع کتب فوق که در متن کتاب صراحتاً به استفاده از کتاب شیخ صدوق اشاره کرده‌اند، برخی تنها چند روایت و برخی نیز اکثر روایات و محتوای کتاب خود را بر مبنای این کتاب تنظیم نموده‌اند که از جمله می‌توان به تفسیر نورالتقلین از عروسی حویزی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل از محدث نوری، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة از آیه الله خویی، تفسیر شریف المیزان فی تفسیر القرآن از علامه طباطبایی و کتاب حدیثی ارزشمند وسائل الشیعه از شیخ حرّعاملی اشاره کرد. شناختی که از مؤلفین این کتب وجود دارد، بیانگر آن است که کتاب کمال الدین در منظر اکثریت عالمان شیعه اثنی عشری مورد وثوق بوده و بر آن اعتماد داشته‌اند.

نتیجه گیری

ابن بابویه مشهور به شیخ صدوق در میان عالمان دینی به عنوان چهره‌ای سرشناس معرفی شده است. این شهرت بیشتر به خاطر وثاقت و اعتبار او در نقل روایات از ائمه اطهار(ع) و ثانیاً آثار وی در دفاع از مذهب تشیع و ردّ عقاید مخالفان می‌باشد. ابن بابویه به عنوان یک محدث، میراث عظیمی را به آیندگان انتقال داده که از آن جمله کتاب کمال الدین و تمام النعمه در تبیین مهدویت از دیدگاه امامیه، نقض آراء قائلین به فترت (انفصال رشته امامت) و رفع شک متحیران در مسأله غیبت حضرت ولی عصر(عج) است.

نام کتاب از آیه شریفه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) اتخاذ شده، چرا که کمال دین در ولایت و امامت است که به وجود دوازدهمین وصی پیامبر اکرم (ص) یعنی حضرت مهدی(عج) تحقق می‌یابد. در بررسی روایات این کتاب مشخص شد که از مجموع ۸۸ راوی، بیشترین روایات از طرف ۵ راوی نقل شده که حدود ۵۵ درصد کل روایات را شامل می‌شود و

عبارتند از؛ علی بن بابویه، محمد بن ولید قمی، مظفر علوی عمری سمرقندی، محمد بن متوکل و ابوالعباس بن اسحاق طالقانی.

در قرون سوم و چهارم هجری، از طرف فرقه‌های مختلف نسبت به شیعه طعن‌هایی پیرامون امام غایب و نحوه غیبت او وارد می‌شد و لذا علمای امامیه مجبور به پاسخ دادن به این شبهات بودند. در این جریان کتب متعددی نگارش یافت که از جمله مهم‌ترین آن‌ها سه کتاب مطرح غیبت نعمانی، کمال الدین و تمام النعمه و الغیبه از شیخ طوسی است. مقایسه موضوعات این سه کتاب بیانگر آن است که کتاب شیخ صدوق دارای امتیازات و ویژگی‌های خاصی می‌باشد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: نقل توقیعات امام عصر(عج)، نقل اخبار مُعَمَّرین، استفاده از مباحث کلامی، اعتبارسنجی روایات و استفاده از منابع متعدد شیعه.

این کتاب در طی قرون متمادی همواره به عنوان یکی از منابع اصلی روایات غیبت و پاسخ‌گویی به شبهات پیرامون آن مطرح بوده و کتب فراوانی از آن نقل حدیث کرده‌اند. تنوع و گستردگی کتبی که از این کتاب به عنوان یکی از منابع خود استفاده کرده‌اند بیانگر آن است که این کتاب در نزد علمای امامیه به عنوان یکی از منابع معتبر شناخته شده و مورد وثوق و اطمینان آنان بوده است.

یادداشت‌ها

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَخَذَ مَوَائِقَ الْعِبَادِ أَمَرَ الْحَجَرَ فَالْتَمَمَهَا فَلِذَلِكَ يُقَالُ أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ (برقی، ۱۳۸۳، ج ۲،

ص ۳۴۰)

۲. این مطلب از آن نظر اهمیت دارد که روابط موجود بین شیعیان و امام به علت شرایط خاص سیاسی، در تنگنای شدید واقع شده و به گونه وکالت برقرار بود.

۳. در بررسی کتاب کمال الدین و تمام النعمه از نسخه تصحیح شده مرحوم غفاری منتشر شده توسط موسسه نشر اسلامی در سال ۱۴۰۵ق بهره گرفته شده است و ارجاعاتی که به صفحات کمال الدین داده شده است، به این کتاب می‌باشد.

4. Encyclopedia of Islam

5. A. A. A. Fyzee

6. E. Moller Heidelberg

۷. ابی عبدالله محمد بن حسن بن اسحاق بن حسین
۸. از آن جمله می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد:
 - «المسألة المفردة في الامامة». این همان رساله‌ای است که ابن قُبه خطاب به یکی از شیعیان روزگار خود در پاسخ به برخی ایرادات مطرح شده از سوی معتزله نگاشته است.
 - «نقضُ کتاب الأشهاد». این کتاب با حذف خطبه و دیباچه در صفحات ۱۲۴ و ۱۵۷ کتاب کمال الدین نقل شده است.
 - «النَّقش» از علی ابی الحسن علی بن احمد بن بشار که رساله‌ای در نقد ادعای ابوالحسن و دفاع وی از جعفر کذاب و ادعای امامت وی است. این کتاب نیز با حذف خطبه‌ها و دیباچه در صفحات ۵۱ و ۶۰ کتاب کمال الدین نقل شده است.
 - «المُسْتَبْت في الإمامة» که در جواب کتاب «المُسْتَرَشِد في الإمامة» تألیف ابوالقاسم بلخی نگاشته شده که آن نیز در رد کتاب «الانصاف في الامامة» ابن قُبه نوشته شده است. قابل توجه است که ابن بابویه به علت حضور شاگردان بلخی در ری، به نام بلخی چندان اشاره‌ای نکرده است (رحمتی، ۱۳۸۳، صص ۵۹-۶۰).
۹. منسوب به فرقه‌ای به نام جعفریّه خُلص
۱۰. متکلم زیدی مذهب
۱۱. در صفحات ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۳۰، ۲۳۱ و ۴۲۳.
۱۲. در صفحات ۱۷۹، ۱۸۹، ۲۱۹، ۲۲۹، ۲۲۷ و ۲۳۳.
۱۳. در صفحات ۹۳ و ۱۱۸-۱۲۴.
۱۴. در صفحات ۱۱۹-۱۲۴، ۲۹۴-۳۰۱، ۳۰۶-۳۱۱، ۴۴۱-۴۴۲.
۱۵. در صفحات ۵۵۵-۵۷۵.
۱۶. در صفحات ۴۰-۴۴.
۱۷. در صفحات ۲۷۶-۲۸۱، ۳۸۶-۳۹۰، ۴۴۵، ۴۵۲ و ۴۸۱-۴۹۲.
۱۸. در صفحات ۲۷۴ و ۲۷۹ از این کتاب بهره برده است (رحمتی، ۱۳۸۳، صص ۶۰-۶۱).
۱۹. لازم به ذکر است که ابن طاووس در صفحه ۲۳۳ به صورت روایت شفاهی از استاد خود اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی روایتی را نقل می‌کند، در صورتی که در صفحه بعدی به طور مستقیم از این کتاب نقل کرده است (کلبرگ، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۷).

کتابنامه

قرآن مجید.

- آقا بزرگ تهرانی (۱۴۰۳ق)، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، چ ۳.
- ابطحی، سید محمد علی موحد (۱۴۱۲ق)، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، قم: ابن المؤلف، چ ۱.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین قمی (۱۳۸۰)، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چ ۱.
- همو (۱۳۸۶ق)، علل الشرایع، نجف: مطبعة الحیدریه، چ ۱.
- همو (۱۴۰۴ق)، فقیه من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۳.
- همو (۱۴۰۵ق - الف)، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱.
- همو (۱۴۰۵ق - ب)، خصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- همو (۱۹۰۴م)، عیون اخبار الرضا(ع)، تحقیق حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ ۲.
- ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر بن محمد (۱۳۶۹ق)، سعد السعود، نجف: مطبعة الحیدریه.
- استادی، رضا (۱۴۰۲ق)، فهرست نسخه های خطی، قم: مکتبه سید گلپایگانی، چ ۲.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ق)، الغدیر، بیروت: دارالکتب العربی، چ ۴.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق - الف)، الطهارة (نسخه خطی)، تحقیق لجنة تحقیق تراث شیخ اعظم، قم: انتشارات باقری، چ ۲.
- همو (۱۴۱۵ق - ب)، القضاء و الشهادات (نسخه خطی)، تحقیق لجنة تحقیق تراث شیخ اعظم، قم: باقری، چ ۱.
- باقری، بیدهندی (۱۳۸۱)، کتابشناسی ترجمه آثار شیخ صدوق، قم: علوم حدیث، ش ۲۵.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵ق)، مدینه المعاجز، تحقیق لجنة التحقیق برئاسه عبدالله الطهرانی المیانجی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چ ۱.
- بحرانی، عبدالله (۱۴۰۷ق)، عوالم العلوم، تحقیق مدرسه الامام المهدي، قم: انتشارات امیر.

بحرانی، یوسف (بی تا)، *الحداثیة الناصرة*، تحقیق محمد تقی ایروانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۸۳ق)، *رجال برقی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
پاکتچی، احمد، (۱۳۷۶ش)، «ابن بابویه»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر موسوی بجنوردی، تهران: موسسه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

جباری، محمد رضا (۱۳۸۴ش)، *مکتب حدیثی قم (شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری)*، قم: انتشارات زائر، ج ۱.

حراغملی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *امل الامل*، تحقیق سید احمد حسینی، قم: دارالکتب الاسلامی.

همو (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۲.

همو (بی تا)، *الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة*، قم: مکتبه المفید.

حلی، ابن داود (۱۳۸۳ق)، *رجال ابن داود*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حویزی، عبد علی بن جمعه العروس (۱۴۱۲ق)، *تفسیر نورالتقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: موسسه اسماعیلیان، ج ۲.

خوانساری، احمد (۱۳۵۵ش)، *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، تهران: انتشارات صدوق.

خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحدیث*، قم: مرکز نشر آثار شیعه.

راوندی، قطب الدین (۱۴۱۸ق)، *قصص الانبیاء*، تحقیق میرزا غلام رضا عرفانیان، قم: موسسه الهادی.

رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۲ش)، «نکاتی درباره اهمیت آثار شیخ صدوق»، *فصلنامه علوم حدیث*، تهران: دانشکده علوم حدیث، سال ۸، شماره ۳۰.

همو (۱۳۸۳ش)، «چند نکته درباره کتاب کمال الدین و تمام النعمه»، *کتاب ماه دین*، تهران: انتشارات دین و دانش، شماره ۸۳-۸۴.

طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه نشر اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *اعلام الوری به اعلام الوری*، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

طریحی، شیخ فخرالدین (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، بی‌جا: مکتب النشر الثقافية الاسلامیة.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۱ق)، رجال، نجف: انتشارات حیدریه.

همو (بی‌تا)، الفهرست، نجف: المکتبۃ المرتضویة.

همو (بی‌تا)، عدة الاصول، تحقیق محمد مهدی نجف، بی‌جا: مؤسسه آل‌البیته، چ ۱.

علامه حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (۱۴۱۱ق)، رجال العلامة الحلّی، نجف اشرف: دار الذخائر.

غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ق)، رجال، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، غنائم الايام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق مکتب الاعلام الاسلامی شاخه خراسان، محقق عباس تبریزیان، مشهد: مکتب اعلام اسلامی.

کلباسی، ابوالهدی (۱۴۱۹ق)، سماء المقال فی علم الرجال، تحقیق سید محمد حسینی قزوینی، قم: مؤسسه ولی‌العصر للدراسات الاسلامیه.

کلبرگ، اتان (۱۴۱۳ق)، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه آیه‌العظمی مرعشی نجفی.

کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ق)، رجال الکشی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

گذشته، ناصر (۱۳۷۸ش)، «ابن قُبه»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر موسوی بجنوردی، تهران: مؤسسه دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.

گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۹ش)، تاریخ فقه و فقها، تهران: انتشارات سمت.

مازندرانی، مولی صالح (بی‌تا)، شرح اصول کافی، تعلیق میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابخانه اسلامیة.

مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳/۱۴۰۳م)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسه وفاء.

مشهدی قمی، میرزا محمد (۱۴۰۷ق)، تفسیر کنز الدقائق، تحقیق مجتبی عراقی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

معارف، مجید (۱۳۸۵ش)، تاریخ عمومی حدیث، تهران: انتشارات کویر.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

نراقی، احمد (۱۴۰۸)، عوائد الايام، قم: انتشارات الغدیر.

بررسی جایگاه، اهمیت و اعتبارسنجی کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» ۱۷۹

نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق)، مستدرک سفینه البحار، تحقیق شیخ حسن بن علی نمازی، قم: موسسه نشر اسلامی.

نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

Fyze, A. A. A. (1986), "IBN BABWAYH", *Encyclopedia of Islam* (EI2), LEIDEN: E. J. BRILL and LONDON: LUZAC & CO. v.III.